

# دکتر دنیل دارکو، رساله‌های زندان، جلسه ۱۱، رفتار شایسته انجیل،

## فیلیپیان ۱:۲۶-۲:۵

دن دارکو و تد هیلدبرانت © 2024

من دکتر دن دارکو هستم در مجموعه سخنرانی‌هایم در مورد رساله‌های زندان. این جلسه یازدهم است. رفتار شایسته انجیل، فیلیپیان ۱:۲۶-۲:۵.

به سخنرانی مطالعات کتاب مقدس در مورد رساله‌های زندان خوش آمدید. تا اینجا به فیلیپیان پرداخته‌ایم.

این یکی از کتاب‌های فوق‌العاده است. چرا نباید فیلیپیان را دوست داشته باشید؟ منظورم این است که این کتابی است که در تمام نامه‌های پولس، کلماتی مانند شادی، وجد و سرور را در آن پیدا می‌کنید. منظورم تمام این کلماتی است که باعث می‌شود احساس محبت، دوست داشته شدن، ستایش، ستایش خداوند و زندگی شایسته خداوند را داشته باشید.

من فیلیپیان را دوست دارم. وقتی به این فکر می‌کنم که این نامه از طرف رسولی نوشته شده که در زندان بوده، بیشتر هم دوستش دارم. وای

به شادی از زندان فکر کنید. او به کلیسای نامه می‌نوشت که فشارهای مختلفی را تحمل می‌کرد و حتی نگران او بود. و کسی که در وضعیت بدی قرار دارد، تبدیل به کسی می‌شود که کسانی را که برای او احساس بدی دارند، تشویق و تسلی می‌دهد.

از همان ابتدا، در فصل ۱ دیدیم که پولس چگونه بحث را طرح می‌کند. پس از دعا و شکرگزاری، او در مورد انجیل صحبت می‌کند و اینکه چگونه انجیل به دلیل زندانی بودن او در زندان نگه داشته نشده است. اگر سخنرانی‌های قبلی را به خاطر داشته باشید، انجیل در حال پیشرفت است.

در واقع، این موضوع تا جایی پیش می‌رود که نگهبانان زندان درباره مسیح می‌شنوند، و بقیه هم درباره مسیح می‌شنوند. پولس حتی به ما یادآوری کرد که اگر خوانندگانش فکر می‌کنند انجیل رام شده است، باید در مورد این موضوع فکر کنند. این موضوع به سایر مؤمنان جسارت بیشتری داده است تا درباره عیسی بیشتر صحبت کنند.

و بعد، اگر سخنرانی قبلی را دنبال کرده باشید یا از آن به خاطر آورده باشید، به یاد دارید که بحث ما در مورد کسانی که از روی حسادت و رقابت موعظه می‌کنند، چگونه بود. می‌دانید، پولس این موضوع را به من می‌فهماند. او باعث می‌شود که من قلبم را جستجو کنم.

او باعث می‌شود در مورد نگرش من نسبت به افراد از فرقه‌های مختلف، افرادی که مسیح را موعظه می‌کنند اما کارها را متفاوت انجام می‌دهند، فکر کنم. ما با آن جمله‌ی محکم پولس به پایان رسیدیم: زندگی مسیح است. مردن سود است. از آنها به خاطر دعاهایشان و کمک روح عیسی مسیح تشکر می‌کنیم.

در جلسه بعدی، از فصل ۱، آیه ۲۷ تا فصل ۲، آیه ۱۸، عنوان «سلوک زندگی شایسته انجیل» را برگزیده‌ام. در ادامه، به آیات ۲۷ تا ۳۰ خواهیم پرداخت، جایی که پولس آنچه را که باید در مورد زندگی مطابق انجیل

دانست، به روشنی بیان خواهد کرد. اما همچنین، باید بدانید که تحت این عنوان اصلی، بحث را از فصل ۱، آیه ۲۷ تا فصل ۲، آیه ۱۸ به چهار بخش تقسیم خواهیم کرد.

خب، بگذارید فقط این را به شما بگویم. می‌دانید، دوست دارم چیزهایی را به شما بگویم که در حین پیشروی در ذهنتان داشته باشید. بگذارید یک سری دیگر از آن را به شما بگویم.

به زندگی یا حیات، به رفتاری که شایسته انجیل است فکر کنید. اول، شروع این است که به شما یادآوری کنیم که در واقع، ما در کجا هستیم. وحدت و پایداری در میان مخالفت.

سپس، به درخواست همبستگی از طریق فروتنی خواهیم پرداخت. سپس، به مسیح به عنوان الگوی مناسب خواهیم پرداخت. و سپس، چهارم، با پایان دادن به بحث خود تا آیه ۱۸ از فصل ۲، به درخواست پولس برای درخشش در دنیای تاریکی خواهیم پرداخت.

بیابید نگاهی به فصل ۱ از آیات ۲۷ تا ۳۰ بیندازیم. و من می‌خوانم، فقط بگذارید شیوه زندگی شما شایسته انجیل مسیح باشد. تا چه بیایم و شما را ببینم و چه غایب باشم، از شما بشنوم که در یک روح، با یک فکر، استوار ایستاده‌اید و دوشادوش هم برای ایمان انجیل تلاش می‌کنید و از هیچ چیز از مخالفان خود نمی‌ترسید یا نمی‌ترسید.

این برای آنها نشانه‌ی روشنی از نابودی‌شان و برای نجات شماست. و این از جانب خداست، زیرا به شما عطا شده است که به خاطر مسیح، نه تنها به او ایمان بیاورید، بلکه به خاطر او رنج نیز بکشید. در همان نبردی که دیدید من داشتم و اکنون می‌شنوید که هنوز هم دارم، شرکت کنید.

قبل از اینکه به بررسی چند جزئیات از این متن بپردازیم، اجازه دهید توجه شما را به سطر اول جلب کنم. کشیش درون من دارد تظاهر می‌کند. سطر اول می‌گوید، فقط بگذارید شیوه زندگی شما شایسته انجیل مسیح باشد.

شایسته انجیل مسیح. اینجا چه خبر است؟ این چیزی است که اینجا اتفاق می‌افتد. آنچه پولس پیشنهاد می‌دهد این است که یک روش خاص زندگی وجود دارد که قرار است با کسانی که مسیح را به عنوان خداوند و ناجی خود اعلام و می‌پذیرند، مرتبط باشد.

انتظاراتی وجود دارد، و این چیزی است که هم پولس و هم خوانندگان می‌دانند که شایسته کسانی است که از مسیح پیروی می‌کنند. به عبارت دیگر، هر دوی آنها چارچوب رفتاری مورد توافقی، سبک زندگی مسیحی و شیوه رفتاری دارند که باید منعکس کننده کسانی باشد که با خداوند عیسی مسیح در تماس بوده‌اند. بر این اساس است که او آنها را ترغیب می‌کند تا زندگی شایسته‌ای داشته باشند.

آن زندگی، زندگی کسانی نیست که از روی بدخواهی موعظه می‌کنند. زندگی‌ای که شایسته‌ی انجیل است، یک مؤلفه‌ی خاص دارد، تا جایی که در بحبوحه‌ی رنج و مخالفت، مردم همچنان تمرکز خود را بر مسیح حفظ می‌کنند تا زندگی‌شان او را جلال دهد. توجه شما را حتی به زبانی که پولس در اینجا استفاده می‌کند، جلب می‌کنم.

اما بیابید به وحدت و پایداری در میان مخالفت‌ها نگاهی بیندازیم. پولس در اینجا تمرکز را از خود به مخاطبان تغییر می‌دهد و آنها را به چالش می‌کشد تا مطابق با زندگی مسیحی زندگی کنند.

به آنها دستور داده شده است که مانند شهروندانی رفتار کنند که زندگی‌شان باید شایسته انجیل باشد. نکته جالبی که ممکن است در ترجمه انگلیسی ما پیدا نکنید، کلمه یونانی است که ما آن را به عنوان رفتار یا شیوه زندگی ترجمه می‌کنیم. در واقع، کلمه یونانی دارای بار سیاسی است.

کلمه یونانی به معنای زندگی‌ای است که توسط یک شهروند سپری می‌شود - مسئولیت مدنی یک شهروند که متناسب با هویت ملی اوست. من دوست دارم بگویم وقتی ما در خارج از کشور هستیم، آمریکایی هستیم.

ما از سرزمین آزادی و خانه‌ی شجاعان آمده‌ایم. ما دوست داریم کشف کنیم. ما در زندان نیستیم.

ما دوست داریم فکر کنیم. ما دوست داریم خلق کنیم. اگر سخت کار کنیم، به لطف خدا تکیه کنیم و کاری را که قرار است به لطف او انجام دهیم، انجام دهیم، در این کشور حالمان خوب خواهد بود.

آمریکا همین است. زندگی‌ای وجود دارد که منعکس‌کننده‌ی شخصیت ماست. ما طوری زندگی نمی‌کنیم که انگار با دستبند دورمان زندانی شده‌ایم، راه می‌رویم و از ترس عقب می‌رویم.

در واقع، گاهی اوقات من نگران سطح بالای اعتماد به نفسی بوده‌ام که ما در آمریکا داریم، وقتی چیزهایی را که واقعاً چیز زیادی در موردشان نمی‌دانیم با درجه بالایی از اعتماد به نفس بیان می‌کنیم. و می‌بینم که دوستان بریتانیایی‌ام با درجه بالایی از شک و تردید با آن برخورد می‌کنند. و برای من غیرمعمول نیست که یک مرد بریتانیایی را ببینم که به برخی از همکاران آمریکایی‌ام گوش می‌دهد و آنها را مشاهده می‌کند.

ببینید، سرتان را پایین بیندازید و کمی از آن [موضوع/موضوعات/...] استفاده کنید. و من می‌گویم، شما بریتانیایی‌ها، می‌دانم با این حرف به کجا می‌خواهید برسید. اما بیایید برگردیم به پاول.

پولس می‌گوید، به عنوان شهروندان آسمان، به عنوان پیروان مسیح، با استفاده از زبان سیاسی برای مردمی که در فیلیپی زندگی می‌کنند. به یاد داشته باشید، در مقدمه به شما اشاره کردم که اگر در فیلیپی زندگی می‌کردید، در واقع تابعیت دوگانه دارید. شما تابعیت یونانی دارید.

شما شهروندی روم را دارید زیرا فیلیپی در آن زمان مستعمره روم بود. غرور زیادی به شهروندی آنها وجود دارد. پولس از این موضوع سوءاستفاده می‌کند.

پولس از زبانی استفاده می‌کند که به آنها یادآوری می‌کند شهروندی آنها شهروندی رومی یا شهروندی یونانی نیست. و اگر به زندگی‌ای که آنها باید داشته باشند نگاه می‌کنید، این زندگی‌ای نیست که برای شکست دادن شهروندان رومی زیسته شده باشد. این زندگی شایسته مسیح است.

شهروندی آسمانی. پولس آنها را به چالش می‌کشد. ضروری است که آنها خود را به عنوان شهروند رفتار کنند و مسیح و پادشاهی او را شکست دهند.

چنین رفتاری باید گواهی بر موضع متحد در کلیسا باشد. نحوه رفتار آنها باید منعکس‌کننده درجه بالایی از یک روح، حس ارتباط و نوع رابطه‌ای باشد که با یکدیگر دارند. و پولس کلمه یک روح را به روشی استفاده می‌کند که من واقعاً دوست دارم.

او آنها را فرا می‌خواند تا در یک روح استوار بمانند. به این کلمه باز خواهیم گشت. معنی آن چیست؟ آیا به معنای در یک روح القدس است یا در یک روح از نظر ارتباط؟ آنها باید بتوانند یک ذهن یا یک روح داشته باشند.

کلمه یونانی می‌تواند به ذهن یا روح ترجمه شود. آنها باید یک طرز فکر داشته باشند. یک کلیسا را تصور کنید؛ پولس می‌گوید روح شما باید متصل و سازگار باشد.

طرز فکر شما باید یک طرز فکر واحد باشد. شما یک چارچوب، مرجع و تمرکز مشترک دارید. اگر بخواهم به زبان پولس خلاصه کنم، تمرکز، مسیح و صلیب خواهد بود.

از نظر او، شهروندی مسیحی ما، شخصیت جامعه مسیحی را شکل می‌دهد. و اگر جامعه مسیحی بداند که شهروندی مسیحیت چیست، در واقع، باید بر نحوه ارتباط ما با یکدیگر در بدن مسیح تأثیر بگذارد. مبادا فکر کنید که پولس به یک کلیسای بزرگ در مرکز شهر بوستون، در شهر نیویورک یا در لس‌آنجلس، جایی در آکرا یا در لندن، در زاگرب، کرواسی یا در بوداپست، در مجارستان اشاره می‌کند.

نه، او در مورد یک کلیسای بزرگ صحبت نمی‌کند. او در مورد بزرگترین کلیسای اروپا صحبت نمی‌کند، چه در مورد لندن صحبت کنید و چه در مورد اوکراین. به کلیساهای خانگی فکر کنید.

وقتی او آنها را به اتحاد در یک روح و یک طرز فکر فرا می‌خواند، نمی‌گوید که این کار را فقط با کسانی که با آنها عضو یک گروه هستید انجام دهید. شما این کار را با همه کسانی که به مسیح عیسی ایمان دارند انجام می‌دهید. به همین دلیل است که پولس همچنان می‌توانست آنها را برادر بنامد، حتی اگر او در روم بود و آنها در فیلیپی.

او می‌خواهد که آنها با هم در یک ایمان برای انجیل مبارزه کنند. در واقع، این کلمه گاهی اوقات در کتاب مقدس انگلیسی مختلف در کنار هم ترجمه شده است. وای.

پولس از کلیسا می‌خواهد که در رنج متحد باشند و از مرعوب شدن خودداری کنند. بنابراین وقتی در سطر اول می‌گوید، بگذارید شیوه زندگی، منش و رفتار شما شایسته انجیل باشد، زندگی شایسته انجیل، زندگی پر از تفرقه، غرغر و تضعیف و جنگ قدرت نیست.

اما زندگی‌ای که شایسته‌ی انجیل‌ها باشد، وقتی شهروندان بهشت زندگی‌ای را تجربه می‌کنند که منعکس‌کننده‌ی شهروندی آنهاست، آنها در اتحاد کار می‌کنند، با یک طرز فکر با دیگر شهروندان همکاری می‌کنند. آنها در واقع دوشادوش هم کار می‌کنند. و وقتی صحبت از رنج می‌شود، آنها در واقع یک نفر را تنها نمی‌گذارند تا رنج بکشد.

آنها به اشتراک می‌گذارند، مشارکت می‌کنند، حمایت می‌کنند. در واقع، این کلیسای خاص در این کار بسیار خوب بود. آنها حتی در زمانی که پولس در زندان بود، به حمایت از او ادامه دادند.

و پولس در نامه‌های دیگرش به آنها می‌بالید. اتحاد برای انجیل مسیح. اما وقتی پولس از کلمه انجیل استفاده کرد، درباره چه چیزی صحبت می‌کرد؟ خب، بگذارید نقل قول کوتاهی از بن ویتترینگتون در تفسیرش بر فیلیپیان برایتان بیاورم.

بن ویتترینگتون می‌نویسد که انجیل، بازگویی داستان مسیح است. و الگوی داستان قرار است به عنوان الگوی زندگی پیروان عیسی تکرار شود. از نظر پولس، انجیل در این حوزه مؤلفه‌های روشنی دارد.

انجیل بر عیسی مسیح و مصلوب شدن او، کار او بر روی صلیب، کاری که مسیح برای انجام آن در دنیای ما آمده است تا گناهکارانی مانند من را نجات دهد، تمرکز دارد. و برای اینکه ما درک کنیم که بودن در مسیح ممکن است شامل رنج باشد.

ضمناً، اجازه دهید کمی از اصل بحث فاصله بگیرم و به شما یادآوری کنم که عیسی هرگز به ما وعده مسیحیت بدون دردسر را نداد. عیسی هرگز به ما وعده مسیحیت بدون رنج را نداد. اگر تا به حال از واعظی یا کسی شنیدید که به شما بگوید مسیحی می‌شوید و هرگز رنج نمی‌برید، از او بخواهید دوباره به کتاب مقدس خود نگاه کند یا به او یادآوری کنید که آنچه شما می‌گویید در کتاب مقدس نیست.

در واقع، پیروی از مسیح ممکن است شامل حمل صلیب مسیح و رنج کشیدن به اشکال مختلف باشد. منظور پولس این است که وقتی این اتفاق می‌افتد، این کار را با هم انجام دهید و در حین عبور از آن مبارزه از یکدیگر حمایت کنید. انجیل و زندگی‌ای که مطابق انجیل زیسته می‌شود، زندگی‌ای است که همه این‌ها را در بر می‌گیرد.

وقتی او گفت یک روح، به شما گفتم که باید به آن فکر بچسبید. این اصطلاح در واقع می‌تواند به عنوان روح انسان یا روح القدس درک شود. در تحقیقات علمی امروز، هنوز این بحث ادامه دارد.

چگونه آن کلمه را تفسیر کنیم؟ زیرا وقتی می‌گویید که آن کلمه در روح القدس است، به زبانی اشاره می‌کنید که پولس در جای دیگری مانند مشارکت در روح القدس یا حس وحدتی که توسط قدرت روح القدس انرژی می‌گیرد، توانمند می‌شود و تحت تأثیر قرار می‌گیرد، به کار می‌برد. بنابراین، اگر می‌گویید پولس از کلیسا می‌خواهد که زندگی شایسته‌ای داشته باشد و باید در روح یکی باشد، پس شما می‌گویید که او از آنها می‌خواهد که در وحدت، در هدف متحد، با انرژی و تحت تأثیر، و تحت تأثیر قدرت روح القدس باقی بمانند. برخی استدلال می‌کنند که خیر.

در واقع، پولس در این نامه این نکته را نادیده نمی‌گیرد، اما در اینجا، به نظر می‌رسد که او استدلال می‌کند که داشتن یک روح، به معنای زندگی با یک هدف مشترک است. ما باید حس ارتباط با مردم، وحدت در هدف، حس احساس و طرز فکر داشته باشیم و باید بگوییم که ما در یک روح هستیم. من دوست دارم از کلمه انگلیسی «یک توافق» استفاده کنم.

گاهی اوقات، سعی می‌کنم به مردم بگویم که اتحاد در مسیح به این معنی نیست که سه دوست پیدا کنید تا با شما در یک هوندا آکورد که متعلق به مسیح است رانندگی کنند. خیر. اتحاد در مسیح به معنای اتحاد در یک روح، داشتن هدف مشترک، مأموریت مشترک، اعتقاد مشترک و آرمان‌های مشترک است.

با این حال، از نظر ما، این موضوع آنچه پولس بیان می‌کند را نفی نمی‌کند و چارچوب کلی الهیاتی فیلیپیان را تضعیف نمی‌کند. به همین دلیل است که می‌گوییم مسئله‌ی مهمی نیست. اگرچه بیشتر احتمال دارد بگویم که متن ممکن است به عنوان یک روح خوانده شود، اما من از نظر هدف مشترک، بسیار پذیرای یک روح هستم، اما در عین حال، پذیرای کسانی هستم که می‌گویند باید آن را به عنوان اشاره به روح القدس بخوانیم.

از نظر من، یک روح می‌تواند در کار روح نیز فعال باشد. این روح است که ما را به هم متصل می‌کند. آیا آن آیات را به خاطر دارید؟ وقتی به مسیح عیسی ایمان آوردیم، خدا روح خود را به ما داد.

این روح است که ما را متحد می‌کند. این دی‌ان‌ای مشترک ماست. بنابراین، داشتن یک روح یا یکدیگر، داشتن یک هدف مشترک لزوماً به معنای یا نفی کار روح القدس نیست.

به این ترتیب، توضیح این موضوع به زبان انگلیسی برای ما آسان‌تر می‌شود، برخلاف زبان‌های دیگر که در آنها کلمه برای یک روح، هدف مشترک می‌تواند بسیار بسیار متفاوت از ارجاعات به روح‌القدس باشد. در مقابل، پولس می‌گوید که تمام این وحدت باید در نحوه‌ی ایستادگی آنها در برابر مخالفت آشکار شود. مخالفت در روز ۲۸ اغلب به عنوان موضوع بحث مطرح شده است.

ما می‌دانیم که پولس در جای دیگری به یهودیان بالقوه‌ای اشاره می‌کند که ممکن است به عنوان مبلغ مذهبی وارد کلیسا شوند و مشکل ایجاد کنند. اما مخالفان چه کسانی هستند؟ و بگذارید ذهن شما را تازه کنم؛ شاید در آیه ۲۸، او از آنها خواسته است که در هیچ چیز از مخالفان خود نترسند. این مخالفان چه کسانی هستند؟ نکته اصلی اینجاست.

این مخالفان چه کسانی هستند؟ آیا آنها یهودی‌گراهای بالقوه هستند؟ حال، در فصل ۳ خواهیم دید که این یهودی‌گراهای بالقوه به نظر نمی‌رسد مخالفان بزرگی باشند. آنها می‌آیند تا پیام پولس را تحریف کنند. اما به نظر می‌رسد یکی از مخالفت‌های رایج آنها این است که در یک مستعمره رومی هستند.

پولس در زندان روم است. او تحت فشار سیستم رومی است تا از انجیل دوری کند. بنابراین، آیا این چیزی است که اینجا در جریان است؟ ما می‌دانیم که وقتی به فیلیپیان نگاه می‌کنید، پولس به هیچ وجه این مخالفت مداوم علیه کلیسا را که بسیار شدید است، مطرح نمی‌کند.

بنابراین، به نظر می‌رسد مخالفت‌های نامحسوسی در سیستمی که او اینجا درباره آن صحبت می‌کند، وجود دارد. او گفت این مخالفان در مسیر نابودی هستند، و این نشان می‌دهد که آنها غیرمسیحی هستند. در همین راستا، من با این استدلال که شاید منظور آنها این مبلغان یهودی‌محور باشد که ممکن است وارد شوند، مخالفت می‌کنم.

به نظر من، بسیار محتمل است که مخالفان در اینجا به سیستم رومی که در فیلیپی داشتند اشاره کنند. او این را اینگونه بیان می‌کند. همانطور که من با او موافقم، به احتمال زیاد، شهروندان رومی فیلیپی، که در هر گردهمایی عمومی به امپراتور احترام می‌گذاشتند، فشار ویژه‌ای بر مؤمنان فیلیپی وارد می‌کردند.

کورپوس دیگری، کلمه یونانی برای حضرت عیسی، که خود به دست امپراتوری اعدام شده بود، اعلام شده بود. زمینه فعلی که در آن پولس ادعا می‌کند که آنها در حال گذراندن همان مبارزه هستند، همانطور که در پایان متن به ما نشان می‌دهد که اکنون به عنوان زندانی امپراتوری درگیر آن است، دلیل خوبی برای باور این موضوع به ما می‌دهد. به عبارت دیگر، اگر به عبارت‌بندی زبان نگاه کنید، به نظر می‌رسد که همه آنها در حال گذراندن این سیستم رومی هستند و انواع فشارها را اعمال می‌کنند.

شاید به یاد داشته باشید که در سخنرانی قبلی، توجه شما را به یکی از چالش‌های اصلی کلیسای اولیه، به ویژه در مورد پرستش امپراتور، با عبارت «قیصر خداوند است»، «عیسی خداوند است»، یا «عیسی خداوند است» یا «مسیح خداوند است» جلب کردم. سوال بزرگ این بود که آیا این چیزی است که اینجا در پس‌زمینه در حال پخش است؟ آنقدر فشار وجود دارد که آنها حتی نمی‌توانند در مورد خداوند صحبت کنند بدون اینکه کسی بگوید، نه، ما می‌دانیم ارباب شما کیست. ارباب شما در روم است و اینجا یک مستعمره رومی است.

احتمالاً این نوع فشار در پس‌زمینه این آزمایش خاص قرار دارد. ما قطعاً چنین فکر می‌کنیم، و من هم با این دیدگاه موافقم. این مکالمه ما را به پایان فصل اول می‌رساند، جایی که پولس به کلیسا یادآوری کرده است چه با سوء نیت و چه با مبارزه و هر چیز دیگری، کلیسا باید متحد بماند و بر راه رفتن خود با خدا متمرکز شود.

و سپس، او به فصل دوم می‌رود، و سپس در فصل دوم، این جمله طولانی را در ابتدا حذف می‌کند و سپس از کلیسا می‌خواهد که متحد بماند. به یاد داشته باشید، او قبلاً در مورد اتحاد صحبت کرده است، اما در صورتی که آنها آن را نفهمند، او آن را به طور کامل بیان خواهد کرد. او عاشق این کلیسا است.

او نمی‌خواهد چیزی آنها را از هم جدا کند. آنها باید یک فکر داشته باشند. آنها باید در کنار یکدیگر بایستند.

آنها باید یک روح داشته باشند. و وقتی این کار را انجام می‌دهند، در واقع در مکان مناسبی برای اتحاد در مقابل مخالفت قرار می‌گیرند. بنابراین، اگر اشکالی ندارد، بیایید نگاهی به فصل دوم بیندازیم.

در ابتدا نموداری به شما دادم که به ما یادآوری می‌کرد که ما از فصل اول تا آیه ۲۷، از فصل ۲۷ تا فصل دوم، آیه ۱۸، به عنوان بحثی گسترده‌تر در مورد رفتار شایسته انجیل نگاه می‌کنیم. همچنین به شما یادآوری کردم که به بخش اول نگاه خواهیم کرد، که تازه آن را با بررسی وحدت و پایداری در میان مخالفت‌ها به پایان رساندیم. فصل دوم، آیات ۱ تا ۴، که چند دقیقه دیگر به آن خواهیم پرداخت، در واقع فراخوانی برای وحدت از طریق فروتنی است.

و این چیزی است که اکنون به آن خواهیم پرداخت. از آنجا، به بخش‌های سوم و چهارم این بخش از بررسی رفتار شایسته انجیل خواهیم پرداخت. بنابراین، چون قرار است به فصل دوم بپردازیم، بیایید در ابتدای آن یک ستاره بگذاریم تا به شما یادآوری کنیم که ما به دنبال فراخوانی برای وحدت از طریق فروتنی هستیم.

با فروتنی، وحدت را دعوت کنید. بیایید چند نکته را بررسی کنیم. همانطور که به این آزمون نگاه می‌کنیم، اگر کتاب مقدس خود را دارید، می‌توانید آن را جلوی خود باز کنید.

را بخوانم. و هنگام خواندن آن، فقط با دقت به آیات یک تا چهار توجه می‌کنم. بنابراین ESV من می‌خواهم اگر در مسیح دلگرمی، در عشق تسلی، در روح مشارکت، در محبت و همدردی وجود دارد، شادی مرا با همفکری، عشق یکسان، هماهنگی کامل و یکدلی کامل کنید.

هیچ کاری را از روی جاه‌طلبی یا تکبر خودخواهانه انجام ندهید، بلکه با فروتنی دیگران را از خود مهم‌تر بدانید. هر یک از شما نه تنها به منافع خود، بلکه به منافع دیگران نیز توجه کنید. بیایید چند نکته سریع را بررسی کنیم زیرا یکی از چیزهایی که ترجمه‌های انگلیسی به ما در درک آن کمکی نمی‌کنند این واقعیت است که می‌نامیم، زمانی که من انگلیسی if clause اگرچه فصل دوم با چیزی شروع می‌شود که ما آن را جملات شرطی است if clause می‌خواندم، این یکی از چیزهایی است که اساتید و معلمان من به من می‌گفتند که همان

را پیدا کنیم، تقریباً یک شرط را if خب. چیزی که ما در یونانی به آن بندهای شرطی می‌گوییم، و هر جا که لزوماً نوعی شرط یا عدم قطعیت را توضیح if بیان می‌کند، اما همیشه اینطور نیست. گاهی اوقات، بند نمی‌دهد.

در واقع، اگر به این معنا، باید به شیوه‌ای که عبارت در اینجا به زبان یونانی کنار هم قرار گرفته ترجمه شود، به معنای شک و تردید نیست. بنابراین، وقتی در کتاب مقدس انگلیسی خود می‌خوانید، اگر تشویق یا تسلی وجود داشته باشد، تعجب نمی‌کنید که آیا واقعاً تسلی وجود دارد؟ آیا واقعاً تشویق وجود دارد؟ آیا این چیزی است که پولس سعی دارد بگوید، چون تشویق و تسلی وجود دارد، می‌خواهم به این نکته توجه زیادی داشته باشید. نکته دیگری که می‌خواهم در این متن خاص به آن توجه کنید این واقعیت است که این یک جمله به زبان یونانی است.

وای می‌توانید تصور کنید که من سعی می‌کنم این چهار آیه را با لهجه عجیب آفریقایی‌ام بدون نفس برای شما بخوانم؟ می‌توانید این را بفهمید؟ اینها چیزهایی هستند که من دوست دارم آنها را عبارات نفس‌گیر پولس بنامم، جملات طولانی. اما بیایید کمی دقیق‌تر به این موضوع نگاه کنیم.

پولس در آیات یک تا چهار چه می‌گوید؟ چه چیزی شادی او را کامل می‌کند؟ زمینه وحدت و وسیله‌ای که شادی او را به آن کمال می‌رساند چیست؟ من دوست دارم به آن مانند یک کاسه خوب نگاه کنم که قرار است آن را حس کنیم و وقتی حس کردیم، شادی پولس را کامل می‌کنیم. اول، او می‌گوید، اگر تسلی وجود دارد، اگر تشویقی وجود دارد، در واقع، از آنجایی که تسلی وجود دارد، این چیزی است که من آن را ترجمه می‌کنم. از آنجایی که در مسیح تشویق و در میان جامعه ایمان حمایت وجود دارد، من آن را در سبب قرار می‌دهم زیرا این شادی من را کامل می‌کند.

بگذارید آن دلگرمی در مسیح همچنان در کلیسا باشد. شاید بپرسید، چرا پولس اینقدر به وحدت اهمیت می‌دهد؟ خب، از شما بابت پرسیدن این سوال متشکرم. وحدت در یک جامعه، تمام چیزی است که یک جامعه برای عملکرد صحیح باید داشته باشد.

اجتماع بدون وحدت می‌تواند فاجعه‌بار یا مصیبت‌بار باشد. از نظر پولس، کلیسا باید متحد باشد. بنابراین این واقعیت که او در آیات ۲۷ تا ۳۰ از فصل اول درباره وحدت صحبت کرده است، به این معنی نیست که دیگر نباید درباره آن صحبت کند.

نه، اینها دوستان او هستند. او واقعاً نگران اتحاد و همکاری کلیسا است، و بنابراین از آنجا که این دلگرمی در مسیح وجود دارد، آنها باید این را زنده نگه دارند. اگر در عشق تسلی وجود دارد، از آنجایی که در عشق تسلی وجود دارد، توجه داشته باشید که در انتهای این جمله طولانی، پولس درباره توانایی جلب توجه دیگران صحبت خواهد کرد.

بنابراین، مفهوم ضمنی اینجا و زبانی که او اینجا استفاده می‌کند، زبانی عمیق و سرشار از محبت درونی است. عشق آگاهی، عشقی که مردم باید داشته باشند، قرار است بی‌قید و شرط باشد. همه چیز در مورد من نیست.

من این اصطلاح جالب را در آمریکا یاد گرفتم که به نظرم به بهترین شکل توضیح می‌دهد چه چیزی را پولس نمی‌خواهد اتفاق بیفتد. آنها به من می‌گویند، من، و خودم، یا چیزی شبیه به این، که در آن تأکید روی من، من، من است. من آن را فلسفه من‌گرایی می‌نامم.

عشقی که پولس اینجا از آن صحبت می‌کند، عشق فداکارانه است. عشقی فداکارانه است. عشقی است که از خلوص قلب سرچشمه می‌گیرد و او می‌گوید، از آنجایی که تسلی عشق وجود دارد، یا اگر تسلی عشق وجود دارد، همانطور که من می‌دانم، آن را در سبب قرار دهید تا کشوی من را پر کند.

او در ادامه می‌گوید، از آنجایی که رفاقت روح وجود دارد، و شور و اشتیاق روح را در ابتدا توضیح می‌دهد، به یاد دارید که من این سوال را می‌پرسیدم که آیا این کلمه روح به معنای روح القدس است یا روح اشخاص، *koinonia*، هدف مشترک. در اینجا، هیچ بحثی وجود ندارد که این به روح القدس اشاره دارد. اگر رفاقت روح وجود دارد، می‌دانید، این پولس است که در دوم قرن‌تایان نوشت، باشد که فیض خداوند ما عیسی مسیح، عشق خدا و رفاقت روح القدس با ما باشد.

این پولس است که می‌فهمد چیزی در روح القدس وجود دارد که می‌تواند قوم خدا، مردمی که به مسیح ایمان مشترک دارند را گرد هم آورد؛ این روح قادر است در زندگی آنها عمل کند. این پولس است که در واقع به ما

می گوید وقتی روح واقعاً در ما کار می کند، به ما کمک می کند تا فضایی را به وجود آوریم که در غلاطیان، او آنها را ثمره روح می نامد و عشق یکی از آنهاست. بنابراین، اگر یا اگر در روح مشارکتی وجود دارد، آن را حفظ کنید و بگذارید شادی پولس کامل شود.

و چهارمین چیزی که او اینجا به آن اشاره می کند، قلب مهربان و همدردی است. پیوند این دو با حرف ربط قلب مهربان، در مقابل قلب سرسخت، در مقابل سنگدلی. قلبی که به اندازه کافی نرم است که می توان، end، با شخص دیگر همدردی کرد.

می دونی، باید بهت اعتراف کنم، من قبلاً مرد مردها بودم. نمی توانستم گریه کنم. من از اون دسته آدم هایی بودم که سرسخت بودن چون تو فرهنگی بزرگ شده بودم که مردها گریه نمی کنن؛ مردها باید خیلی خیلی قوی باشن.

و بنابراین، متوجه شدم که جایی که مردم واقعاً درگیر کشمکش های عاطفی واقعی هستند، من در تلاش برای درک آنها، توجیه می کنم. و باید به شما بگویم که برای تغییر این وضعیت چه اتفاقی برای من افتاد. من در اروپا تحصیل می کردم.

پدرم را در غنا گذاشتم. پدرم گهگاه در بیمارستان بستری بود، اما حالش خوب بود. پدرم یک کهنه سرباز نظامی بود، بنابراین یکی از بهترین درمان ها را در بیمارستان نظامی دریافت می کند.

من کمتر نگران سلامتی پدرم هستم چون می دانم حالش خوب خواهد شد. وقتی فقط ۱۰۰ دلار در حسابم داشتم، نامه ای از پیک دریافت کردم که نوشته بود پدرم فوت کرده است. نمی توانستم به غنا برگردم.

من ورشکسته بودم. در آن بعدازظهر شوم، در شهر اوسپیک در کرواسی، کنار رودخانه ای به نام دراوا قدم می زدم. همینطور که کنار رودخانه دراوا قدم می زدم، به این نیمکت برخوردیم و روی نیمکت نشستیم.

ناگهان، ناگهان، مرد این مرد، این مرد لجباز و سنگدل، به پدرم فکر کرد، به پدری آسمانی که آنجا خواهد بود، که با من خواهد بود، حتی در حالی که من برای پدر زمینی ام سوگواری می کردم، به ذهنم رسید. به دعای پروردگار فکر کردم و بغضم شکست. در آن بعدازظهر شوم، سی دقیقه تمام مثل یک نوزاد گریه کردم. فقط اشک ریختم.

انگار تمام اشک هایی که سال ها سعی می کردم مردی قوی، سرسخت و سنگدل باشم، در دلم جمع کرده بودم، آن روز از وجودم بیرون می ریخت. می دانستم آن روز اتفاقی افتاده است. مرگ پدرم لازم بود تا خدا به من رقت قلب را بیاموزد.

بله، ما فعالیت های مربوط به مراسم خاکسپاری را انجام دادیم. من نمی توانستم به خانه برگردم. بله، با سختی های آن کنار آمدم.

اما از آن به بعد، وقتی داشتم اشک می ریختم، متوجه شدم که می توانم با دوستان کرواتم که عزیزانشان را در جنگ از دست داده بودند، همدردی کنم. حتی وقتی صحبت می کردند، می توانستم دردشان را حس کنم. گاهی اوقات، وقتی نوجوانان از سختی هایی که در طول جنگ کشیده بودند تعریف می کردند، می توانستم با آنها گریه کنم.

من تغییر کرده بودم. قلب‌های جدیدی داشتم. پولس گفت از آنجایی که رقت قلب، شفقت و همدردی وجود دارد، باعث می‌شود با شخص دیگر ارتباط برقرار کنید، همدلی کنید و در واقع به او نزدیک شوید و با احساساتش ارتباط برقرار کنید.

اگر آن را زنده نگه دارند، شادی او را کامل کرده‌اند. وای. از آن روز شوم در سال ۱۹۹۷، من مرد دیگری شده‌ام.

وقتی سر مزار کسی عهد و پیمان می‌بندم، نتوانسته‌ام جلوی خودم را بگیرم. نتوانسته‌ام با دوستانی که عزیزانشان را از دست داده‌اند گریه کنم. نتوانسته‌ام جلوی فرزندانم اشک بریزم وقتی دوستانم دوران سختی را می‌گذرانند.

من ارتباط برقرار می‌کنم. می‌توانم درک کنم. پیوند و رابطه عاطفی من در حال رشد است، و من متوجه می‌شوم وقتی پولس گفت، بگذارید رحمت و همدردی دلسوزانه فعال باشند، یا از آنجایی که این ویژگی‌ها در کلیسا فعال هستند، یا اگر می‌توانید آنها را فعال کنید، همانطور که می‌دانم از قبل فعال هستند، بگذارید برقرار شوند.

این برای جامعه خوب است. برای وحدت کلیسا خوب است. و من دوست دارم که چگونه اف. اف. بروس، یک محقق بریتانیایی، این را توضیح داد.

این روح است که زندگی مشترک آنها را در بدن مسیح حفظ می‌کند. نتیجه زندگی مشترک باید قلب‌های مهربان و دلسوز باشد. اما این مهربانی و دلسوزی، قبل از هر چیز، از خود مسیح است.

آنها مهربانی و شفقت او را تجربه کرده‌اند و بنابراین می‌توانند راحت‌تر ویژگی‌های مشابه را به یکدیگر نشان دهند. در آیه ۲، پولس به برخی از عناصر خاص که از این وحدت ناشی می‌شود، اشاره می‌کند: همان ذهن

و من می‌خوانم، شادی‌ام را با همفکری کامل می‌کنم. وای. با یکسان فکر کردن، با داشتن طرز فکر مشابه، با اینکه لزوماً خودتان را درگیر اختلافات و مشاجرات غیرضروری نکنید.

هم‌فکر بودن. هم‌عشق بودن. یا داشتن عشقی یکسان.

دوست نداشتن آنچه مسیحیان دوست ندارند، و مجبور به دوست داشتن آن نیستند. دوست داشتن چیزهایی که مسیح دوست دارد و دوست داشتن افرادی که مسیح دوست دارد. داشتن همان عشق

این کار را بکن تا شادی من کامل شود. و او در ادامه می‌گوید، همانطور که خواهیم خواند، کاملاً با هم هماهنگ و یکدل بودن. در واقع، کلمه یونانی در واقع می‌تواند به عنوان جفت روحی بودن ترجمه شود.

در کلاس درس، سعی کردم آنچه را که در دوران مدرن در مطالعات غربی خود دیده‌ام به دانش‌آموزان یادآوری کنم تا کتاب مقدس در هر کجا که مردم بتوانند آن را پیدا کنند، درباره روابط همجنس‌گرایان صحبت کند. در واقع، کلمه یونانی یک کلمه مرکب است که در واقع به معنای داشتن ذهن یکسان یا روح مرتبط است.

اما این به معنای آن نیست که آنها همجنس‌گرا هستند یا مردم به این معنا همجنس‌گرا می‌شوند. اگر می‌خواهید دیدگاه پولس را در مورد همجنس‌گرایی بدانید، واضح است. رومیان فصل ۱، اول تیموتائوس و اول قرنتیان ۶ را بخوانید. اینها موضوعات آنجا هستند.

در اینجا، پولس درباره محبت، وحدت و هماهنگی واقعی صحبت می‌کند، نه اختلاف در جامعه ایمانی. و سپس، در آیه ۳ و آیه ۴، او برخی از مشکلات بالقوه‌ای را که می‌توانند وحدت را تضعیف کنند، به ما یادآوری می‌کند. و بنابراین، شما آن را اینگونه بیان می‌کنید: هیچ کاری را از روی جاه‌طلبی خودخواهانه انجام ندهید.

این کار را نکنید، زیرا اگر این کار را بکنید، وحدت را در بدن مسیح تضعیف می‌کنید. هیچ کاری را از روی تکبر بیهوده انجام ندهید، بلکه هیچ کاری را از روی غرور، تکبر و خودبزرگ‌بینی انجام ندهید. این یکی از آن کلمات است. وقتی انگلیسی یاد می‌گیرم، کلمه "خودبزرگ‌بینی" را دوست دارم.

کلمه‌ی سنگینی است. می‌خواستم دوستانم بدانند که من یک کلمه‌ی جدید بلدم. حالا، وقتی در آمریکا هستم و در دنیای انگلیسی‌زبان هستم، همه آن را می‌دانند، بنابراین دیگر حتی گفتنش هم جالب نیست.

مغرور بودن، خود را برتر از دیگران دانستن، داشتن چیزی که من آن را گردن شترمرغی می‌نامم، و به خود گفتن اینکه من با سر بالا ساخته شده‌ام، به همه نگاه می‌کنم، و فقط دارم از توانایی‌های طبیعی‌ام برای شترمرغ بودن استفاده می‌کنم. نه، هیچ کاری را از روی تکبر انجام ندهید، پولس می‌گوید، چون حدس بزنید چه می‌شود؟ با انجام این کار، شما رفاقت در جامعه را تضعیف می‌کنید. پولس می‌گوید فقط به دنبال منافع شخصی خود نباشید.

نه، اما اگر به عبارت نگاه کنید، خیلی جالب است که ببینید پولس چگونه آن را بیان می‌کند. آیه چهارم، هر یک از شما نه تنها به نفع خود، بلکه به نفع دیگران نیز توجه کنید. به عبارت دیگر، به دنبال نفع خود نباشید، بلکه به دنبال نفع دیگران باشید.

او نمی‌گوید که به دنبال منافع دیگران باشید و از منافع خودتان غافل شوید. نه، به دنبال منافع دیگران باشید همانطور که به دنبال منافع خودتان هستید. پولس سعی نمی‌کند حس کاذب عجیب و غریبی از عقده مسیحایی ایجاد کند، که بگوید، من فقط قرار است مردم را نجات دهم، من فقط قرار است به مردم کمک کنم، و وقتی این کار را می‌کنید، خودتان به دنبال رفاه، آسایش و جایگاه محکم خود در خدا نیستید، و همه چیز در مورد این است که، اوه، من فقط به منافع دیگران نگاه می‌کنم، و حتی اگر در حال سقوط باشم، و از این قبیل چیزها، اینطور نیست.

نه تنها به دنبال منافع شخصی خود باشید، بلکه به منافع دیگران نیز توجه کنید. به این ترتیب، حس واقعی وحدت، عشق و رابطه می‌تواند پرورش یابد و جامعه را غنی سازد. اگر به یاد داشته باشید که پولس در فصل اول، وقتی به آن واعظان اشاره می‌کرد، از زبان مشابهی استفاده کرده بود، بیایید این را با آنچه گفته بود مقایسه کنیم.

بیایید مقایسه کنیم. همانطور که روی صفحه می‌بینید، خواهید دید که در اینجا، در فصل اول از آیات ۱۵ و ۱۷، برخی واقعاً مسیح را از روی حسادت و رقابت موعظه می‌کنند. در فصل دوم، آیات سه و چهار، هیچ کاری را از روی جاه‌طلبی خودخواهانه انجام ندهید.

به آن جاه‌طلبی خودخواهانه نگاه کنید. پولس می‌گوید که نه، نه. به عبارت دیگر، وقتی می‌گوید من آنها را برادر می‌نامم، وقتی می‌گوید آنها مسیح را موعظه می‌کنند، نمی‌گوید که دنبال کردن جاه‌طلبی خودخواهانه را تأیید می‌کند.

نه، او می‌گوید، این نباید در میان شما باشد یا خودپسندی باشد. اما، با فروتنی، دیگران را از خود مهم‌تر بدانید. هر یک از شما نه تنها به نفع خود، بلکه به نفع دیگران نیز توجه کند.

وای نگاه کردن به اتفاقاتی که اینجا برای پاول می‌افتد خیلی خیلی جالب می‌شود. او این حرف‌ها را از کجا می‌آورد؟ شاید الان وقتش باشد که مکث کنم و به شما بگویم.

می‌خواهی برگردی و از فصل اول، آیه اول فیلیپیان شروع کنی، و هر جا که مسیح را پیدا کردی، زیر کلمه مسیح خط بکشی. اگر کتاب مقدس خودت نیست، لطفاً این کار را نکن چون زشت به نظر می‌رسد. کم‌کم می‌بینی که مسیح همه جا هست.

بنابراین، پولس در ادامه به شما خواهد گفت که اگر قرار است زیر مسیح خط بکشید، درست است که این کار را انجام دهید، زیرا از آیه پنجم، او خواهد گفت، که در مسیح عیسی از آن شماس، یا بگذارید همان ذهن مسیح، ذهن شما باشد. بنابراین، اکنون او در مورد مسیح در این مورد، مسیح در آن مورد صحبت می‌کند، اما اکنون می‌خواهد بگوید، ببینید، من می‌خواهم که به مسیح نگاه کنید. شاید به عنوان یک الگو، و من این را در چند دقیقه دیگر توضیح خواهم داد.

سپس او در ادامه به ما چیزی را می‌دهد که ما آن را سرود مسیح‌شناسی می‌نامیم و ما به آن خواهیم پرداخت، و من می‌خواهم پیچیدگی و نحوه ارجاع ما به برخی از این چیزها و همه چیزهای عجیب و غریبی که محققان در مورد برخی از این مطالب می‌گویند را توضیح دهم، زیرا، بله، زیرا ما محقق هستیم و زیرا باید برای امرار معاش گمانه‌زنی کنیم و گاهی اوقات، مردم را وادار می‌کنیم تا در کار خود با خدا رشد کنند، که قرار است، کار واقعی ما باشد. بنابراین، من برخی از گمانه‌زنی‌های علمی در مورد این موضوع را به شما یادآوری می‌کنم اما توجه داشته باشید که مسیح به عنوان یک الگو دیده خواهد شد. با مرور چهار الگوی کاملی که قبلاً به شما ارائه دادم، متوجه می‌شوید که ما فقط به درخواست وحدت از طریق فروتنی، فصل دوم، آیات یک تا چهار، پرداخته‌ایم.

در سخنرانی بعدی، به فصل سوم، فصل دوم، از آیات پنج تا یازده، خواهیم پرداخت. مسیح به عنوان یک الگوی مناسب. اما قبل از اینکه به بحث جامع در مورد آن بپردازیم، ممکن است برای شما جالب باشد که آیه پنج، آیه بسیار بسیار مهمی در یک مکالمه است، و شاید اگر وقت اجازه دهد، بخواهم برخی از عناصر آیه پنج را با شما در میان بگذارم، اما اگر وقت اجازه ندهد، فقط یک تصویر کلی از آنچه که بررسی خواهیم کرد، به شما ارائه خواهم داد.

بنابراین، بیایید از آیه پنجم به این موضوع نگاه کنیم. از آیه پنجم، شما شروع به درک این موضوع می‌کنید که ما قرار است به طور خاص از آیه ششم، به مسیح ازلی نگاه کنیم. از آیه هفتم تا هشتم، به مسیح مجسم نگاه خواهیم کرد.

از آیات نه تا یازده، به مسیح والامقام نگاهی خواهیم انداخت. و بگذارید چیزی به شما نشان دهم. دوست دارم از این چیزی بسازم، و حدس بزنید چه چیزی می‌سازم؟ مسیح بر روی صلیب.

بنابراین، ما به این سرود که بر مسیح تمرکز دارد، نگاهی خواهیم انداخت. ضمناً، من یک متکلم هستم، من ملحد نیستم. گهگاه، سعی می‌کنم.

شاگردانم به من یادآوری می‌کنند که به عنوان یک هنرمند چه کاری انجام می‌دهم و چه کاری انجام نمی‌دهم. بله، موافقم. اما مسیح روی صلیب، اگر بتوانم آن را درک کنم، اشکالی ندارد.

بنابراین، از آیه پنج تا آیه ۱۱، اینگونه می‌خوانیم. این طرز فکر را در میان خود داشته باشید، طرز فکری که در مسیح عیسی، از انجیل مقدس، از آن شماس است. کسی که اگرچه در صورت خدا بود، برابری با خدا را غنیمت نشمرد.

اما خود را خالی کرده، به صورت یک غلام درآمد و به شباهت انسان متولد شد و در هیئت بشری یافت شد، خود را فروتن ساخت و تا به مرگ، حتی مرگ بر روی صلیب، مطیع گردید. از این رو، خدا او را بسیار سرافراز کرد. خدا او را بسیار سرافراز نمود و نامی را که برتر از هر نامی است، به او عطا فرمود.

تا به نام عیسی، هر زانویی در آسمان و بر زمین و بر زمین خم شود، و هر زبانی اعتراف کند که عیسی مسیح خداوند است برای جلال خدای پدر. ما به تازگی بررسی کردیم که چگونه پولس در مواجهه با مخالفت، به دنبال متحد کردن کلیسا است، آنها را به یک طرز فکر، بودن در روح مسیح، و حفظ آن رفاقتی است که مهم است، زیرا آنها از سرنوشتی که خود او در روم در پایان فصل اول متحمل می‌شود، رنج می‌برند. در فصل دوم، از ابتدای فصل دوم به شما یادآوری کردم که چگونه پولس در واقع این جمله طولانی از فصل دوم آیات یک تا چهار را به زبان یونانی در قالب عبارات شرطی می‌نویسد و آنها را با نوع نگرش و ویژگی‌هایی که شادی او را کامل می‌کند، به چالش می‌کشد و بر لزوم وحدت تأکید می‌کند.

متحد، ما می‌سازیم؛ متفرق، ما سقوط می‌کنیم. اگر جهان بخواهد مسیح را در حال عمل ببیند، جامعه مسیحی ضروری است. به کتاب اعمال رسولان مراجعه کنید و نگاهی به آن بیندازید.

وقتی مسیحیان در یک مکان متحد می‌شوند، اتفاقات بزرگی رخ می‌دهد. چه در حال دعا باشند، چه در حال مطالعه کتاب مقدس و معاشرت، و چه در حال شکستن نان، خب، اتفاقات شگفت‌انگیز زیادی رخ می‌دهد. این دستور کار شیطان است که این اتحاد را در بدن مسیح ایجاد کند.

در فیلیپیان، حتی در حالی که پولس در زندان است، می‌خواهد کلیسا متحد باشد. و شاید، فقط شاید، ما نیز این را هدف خود قرار دهیم، نه اینکه به دنبال منافع شخصی خود، منافع خودخواهانه خود باشیم، بلکه به دنبال ویژگی‌های شهروندان واقعی بهشت باشیم و رفتاری را تقلید کنیم یا رفتاری را نشان دهیم که شایسته کسانی است که مسیح عیسی را خداوند می‌نامند. با انجام این کار، ما به پدرمان که در آسمان است، احترام خواهیم گذاشت و جهان مسیح را در اجتماع مسیح خواهد دید.

دوباره از شما به خاطر ادامه این مطالعات با ما متشکریم. امیدوارم شما هم مثل من در حال یادگیری و رشد باشید. امیدوارم خداوند چیزهایی را که من حتی در این متن در مورد آنها صحبت نمی‌کنم، روشن کند.

و من دعا می‌کنم و امیدوارم که با هم، مهندسانی باشیم که خداوند از آنها برای متحد کردن افرادی که به مسیح عیسی ایمان دارند، استفاده کند. دوباره از شما متشکریم و خدا شما را حفظ کند.

من دکتر دن دارکو هستم در مجموعه سخنرانی‌هایش در مورد رساله‌های زندان. این جلسه یازدهم است، رفتاری شایسته انجیل، فیلیپیان ۱:۲۶-۵:۲.